

تفسیر نجومی

طاهره حسن زاده

چکیده

در این مقاله علم نجوم و مسائل آن از دیدگاه دانشمندان، و سیر تطور علم نجوم و اهداف قرآن از طرح این مباحث (از جمله خداشناسی، معادشناسی، نظم‌شناسی جهان و بیان حقائق علمی) تبیین گردید که هر کدام از این مباحث با تأکید بر آیات قرآن و با استفاده از تفسیر مفسران است. سپس به فوائد تفسیر آیات نجومی قرآن و در آخر نگاهی گذرا به پدیده‌های نجومی آسمان، زمین، خورشید، ماه، ستارگان و شب و روز پرداخته شده است.

در پایان به این نتیجه می‌رسد که قرآن کتاب نجوم نیست ولی حدود ۱۵۰ آیه نجومی در قرآن وجود دارد، که لازم است با توجه به یافته‌های کیهان‌شناسی تفسیر بهتری از آن‌ها ارائه شود و تفسیرهای غیر صحیح آیات اصلاح و چالش‌های توهمی تفسیر نجومی برطرف گردد.

واژگان کلیدی: تفسیر، نجوم، آسمان، زمین، خورشید، ماه، ستارگان، شب و روز.

مقدمه

قرآن انسان را به صراط مستقیم هدایت می‌کند که راه رضای الهی در آن است قرآن کتاب طبیعی نیست که هر مخترعی از آن چیزی کشف یا کشف خود را به آن مستند کند. اگر می‌گوییم «تفسیر نجومی» به این معنی نیست که قرآن را کتاب نجوم و هیئت بدانیم بلکه تعابیری که در قرآن مربوط به نجوم است آن‌ها را از دیدگاه مفسران بررسی نموده و نظرات آن‌ها در مورد نجوم و تفسیر نجومی به دست آید در قرآن بیش از ۱۵۰ آیه پیرامون کیهان‌شناسی و تشویق انسان‌ها به تدبر و تعقل در خلقت آسمان‌ها و زمین آمده است. که در بسیاری از آن آیات از پدیده‌های نجومی نام برده و پیرامون آن در برخی موارد بحث نموده تا مقدمه خداشناسی و کشف شگفتی‌های عالم هستی باشد.

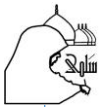
در این مقاله هدف این است که با نگاهی علمی به قرآن تفکر کنیم نه این‌که برخی از آراء و نظرات بی‌اساس را بر قرآن تحمیل کنیم. هدف ما استخدام علم برای بهتر فهمیدن آیات قرآن است. در این مقاله بنا بر این است که دین با قواعد مسلم علمی تعارض ندارد. بلکه هر چه بشر در دانش روز پیشرفت نماید حقائق علمی قرآن بیشتر برایش کشف می‌گردد. در نتیجه پی به عظمت قرآن و معجزه بودن آن خواهد بُرد.

بدین منظور در آغاز به معرفی برخی مفاهیم می‌پردازیم و سپس به ترتیب سیر تحول علم نجوم، اهداف قرآنی مباحث نجوم، و فوائد تفسیر آیات نجومی قرآن را بررسی خواهیم نمود.

در این مقاله به بررسی مفهوم‌شناسی، سیر تطور در نجوم و تفسیر نجومی، اهداف تفسیر نجومی در قرآن و فوائد آن و نگاهی گذرا به رخی از پدیده‌های نجومی از منظر قرآن پرداخته می‌شود.

الف) مفهوم شناسی

۱- الف) تفسیر در لغت



مصدر باب تفعیل از ماده (ف، س، ر) است و در کتب لغت به بیان، ابانه، جدا کردن، پرده برداشتن، اظهار معنای معقول معنا شده است. [جوهری، الصحاح؛ ابن منظوم، لسان العرب؛ محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس؛ فیومی، مصباح المنیر، ماده فُسْرًا و در اصطلاح روشن کردن مراد خداوند از کتابش، که در آن بر ظنون و استحسان اعتماد نمی‌شود و نه بر چیزی که حجیت آن از طریق عقل یا شرع ثابت نشده باشد. [خوئی، ابوالقاسم، البیان، ص ۴۲۲]

هم‌چنین نجوم در لغت عرب جمع واژه نجم و به معنای ستارگان است. [اراغب اصفهانی، مفردات قرآن، ص ۷۹۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۵۹]

۲- الف) تفسیر در اصطلاح

در اصطلاح دانشمندان علم نجوم هرکدام تعریف خاص از این دانش بیان کرده‌اند که به چند نمونه بسنده می‌شود.

۱. ابن سینا: در این علم، حال اجزای عالم از لحاظ اشکال و اوضاع آن‌ها نسبت به یکدیگر و اندازه‌ها و فواصل میان آن‌ها و حال حرکات فلک‌ها بررسی می‌گردد. اندازه کرات و قطب‌ها به دست می‌آید. [طبیعیات شفا، ج ۱، ص ۸۶]

۲. قاضی زاده رومی می‌گوید: در علم نجوم از احوال اجرام بسیط علوی و سفلی از جهت کمیت، وضع و حرکت بحث می‌شود. [هیئت و نجوم اسلامی، ج ۱، ص ۳۱]

۳. علی زمانی قمش‌های می‌گوید: در علم نجوم از ظواهر اجسام آسمانی و قوانین حرکات ظاهری و حقیقی، اندازه‌ها، فواصل و خواص طبیعی آن‌ها بحث می‌گردد. [همان، ص ۳۲]

شایان ذکر است که تعریف تفسیر نجومی در کتاب مستقلاً پیدا نشد. و به نظر آیت‌الله مصباح در قرآن کریم بحث درباره جهان و طبیعت و انسان به‌طور استطرادی و تطفلی به میان آمده است و شاید هیچ آیه‌ای نیابیم که به‌طور مستقل و مستقیم به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان‌ها و زمین پرداخته باشد. بلکه گفتگو از این‌ها را برای آگاهانیدن انسان و رهنمون اوست. [مصباح، معارف قرآن، ص؟؟؟]

مسائل علم نجوم: مسائلی در علم نجوم مورد بحث قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از:

۱. هیئت: که درباره حرکت و جابه‌جائی اجرام آسمان بحث می‌کند.
۲. اخت‌فیزیک: که درباره خواص فیزیکی و ترکیب شیمیائی و تحولات درون ستارگان می‌پردازد.
۳. کیهان‌شناسی: که بررسی وضع کهکشان‌ها و نواختران و نیز مسئله انبساط جهان را در بردارد.
۴. کیهانی زایی: که درباره چگونگی پیدایش و منشأ کیهان بحث می‌کند.
۵. طالع‌بینی: که به کمک مطالعه حرکت و مواضع اجرام آسمانی به پیشگویی می‌پردازد. [عدالتی، تقی و فرخی، حسن، اصول و مبانی جغرافیای ریاضی، ص ۱۵]

ب) سیر تطور علم نجوم

۱- ب) سیر تطور علم نجوم در تاریخ

انسان با پا گذاشتن به عرصه زمین، به اطراف خود می‌نگرد و چیزهایی را مشاهده می‌کند و چیستی‌ها در ذهن او به وجود می‌آید مورد سؤال واقع می‌شود مثلاً چیستی زمین، آسمان و ستارگان و دیگر پدیده‌ها. که برخی از این سؤالات را دانشمندان

جواب‌گو بودند و برخی هم دنبال جواب آن هستند از ناموران علم نجوم می‌توان آشوریان، کلدانیان، ایرانیان، مصریان، چینیان را نام برد. [زمانی قمشه‌ای، هیئت و نجوم اسلامی، ج ۱، ص ۳۱]

دانشمندان علم نجوم، سیر تطورات این علم را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

۱. دوره زمین مرکزی

در این دوره منجمان بر این باور بودند که زمین مرکز جهان باید باشد و تمام اجرام آسمانی، به دور او که ساکن است بگردند. علاقه آنان خیلی علمی نبود بلکه بیشتر برای کشف ارتباط حوادث زمینی با وضعیت اجرام آسمانی و کشف سعد و نحس سعی می‌کردند. که در این دوره اکتشافات مهمی چون دوره کامل خسوف و کسوف، تعریف دائرة البروج و ... صورت گرفت که در قرن شانزدهم به پایان رسید.

۲. دوره کهکشانی

می‌توان آغاز نجوم جدید را از این دوره دانست که پرینیک نشان داد که زمین سیاره معمولی و خورشید مانند بسیاری از ستارگان است که در این دوره قوانین حاکم بر حرکات اجرام آسمانی کشف شد. هم‌چنین معرفی تلسکوپ توسط گالیله انجام شد و دانشمندانی دیگر از جمله نیوتن، کپلر ... تلاش‌های زیادی داشتند.

۳. دوره کیهانی

در این دوره به دست آمد که کهکشان ما فقط یکی از بسیار کهکشان‌های موجود در این جهان است. استفاده از تلسکوپ‌های نوری، رادیویی نتایج مهمی را به دنبال داشت. هم‌چنین کیهان‌شناسی و اخترفیزیک در این دوره، مدیون تلاش‌های دانشمندانی چون انیشتین و نظریه نسبیت او می‌داند. [مسترجمی، قرآن و کیهان‌شناسی، ص ۳۹ - ۳۸؛ رضائی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ص ۲۷۹ - ۲۷۸]

۲ - ب) پیشینه علم نجوم در ادیان

شایان‌ذکر است که راهنمای علوم پیامبران الهی بوده‌اند. چنان‌که سید ابن طاووس حضرت آدم را اولین کسی معرفی می‌کند که خداوند علم را به او آموخت، هم‌چنین پیامبران دیگر از جمله ادریس، دانیال، پیامبر اکرم ۹ که اطلاع کامل بر علم نجوم داشته‌اند. هم‌چنین از سؤالات تفسیری درباره آیات نجومی قرآن در بین پرسش‌ها از پیامبر ۹ و امامان معصوم: دیده می‌شود. [الحویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۲۰؛ بحارالانوار، کتاب السماء و العالم ۵/۵۶ به بعد]

از شاگردان امام صادق ۷ چون خواجه‌نصیرالدین طوسی، ابوریحان بیرونی، ابن‌سینا، ابوالوفاء، بوزجانی، ابراهیم ابن حبیب فزاری و دانشمندان بسیاری از مسلمانان چون نوبختیان با توجه به بیانات قرآن، و فرمایشات پیامبر ۹ و ائمه: به درجه بالای این فن رسیدند. [امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۹۳؛ خوانساری، روضات الجنات، ج ۱، ص ۴۴]

این شیوه تفسیری در کتبی همچون «الجواهر فی تفسیر القرآن» طنطاوی، و «الهیئة و الاسلام» تألیف سید هبه‌الدین شهرستانی، گسترش یافت و حرکت جدیدی در این زمینه ایجاد شد در قرن حاضر کتب دیگر چون «اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی»، یدالله نیازمند؛ «رسالت قرآن در عصر فضا»، سید عبدالرضا حجازی؛ «هفت‌آسمان»، محمدباقر محمودی؛ «زمین، آسمان و ستارگان از نظر قرآن»، آیت‌الله محمدصادقی؛ «دانش عصر فضا»، آیت‌الله حسین نوری؛ را نام برد. هم‌چنین در تفاسیری که به زبان فارسی و عربی نوشته شده روش علمی در تفسیر آیات نجومی بیشتر نمایان است. هم‌چون: پرتوی از قرآن، نمونه،

الفرقان، فی ظلال القرآن، المنار. که هرکدام محسنات و معایبی دارد حتی بعضی دچار تحمیل و تطبیق و شاید بتوان گفت تفسیر به رأی شده‌اند.

لذا بعضی از محققان معاصر چون دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی به نقد و بررسی این مباحث در کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن پرداخته است. [مسترحمی، فصلنامه قرآن و علمش]

۳ - (ب) علم نجوم در غرب

در اروپا دانشمندان چون گالیله، انیشتین و ... حرکت تازه‌ای در این علم را شروع کردند و با اختراع نوسنج‌ها و تلسکوپ‌های نوری و رادیویی و ابزار نجومی دیگر به پیشرفت این علم کمک نمودند. که در این دوره مباحث از سمت هیئت به سوی اخترفیزیک، کیهان‌شناسی تغییر مسیر داد. [خواجه پور، نجوم به زبان ساده، ص ۲]

ج) اهداف قرآن از طرح مباحث نجوم

قرآن کتاب تربیت و هدایت است و هدف اصلی آن رسیدن انسان به کمالات می‌باشد. قرآن با روش‌های مختلف انسان را به صراط مستقیم دعوت نموده و راه رسیدن به کمالات را به او معرفی می‌کند. گاهی به صورت قصه یا داستان، یا با استدلال عقلی، و یا با برانگیختن فطرت و وجدان و گاهی هم با طرح مباحث علمی و نجومی، انسان را به تفکر و تعقل وامی‌دارد.

اگر ما نگاهی به نجوم در قرآن داشته باشیم مشاهده خواهیم کرد که خداوند از آسمان، زمین، روز، شب، خورشید، ماه، شهاب‌ها، ستارگان چندین بار یاد کرده و انسان را به آفرینش آن‌ها [انبیاء: ۳۰] و مراحل آفرینش [اعراف: ۵۴؛ یونس: ۳؛ هود: ۷؛ حدید: ۴؛ سجده: ۴؛ فرقان: ۵۹؛ ق: ۳۸؛ فصلت: ۱۲ - ۹] آن‌ها و برخی تحولاتی که در آن‌ها ایجاد شده سخن می‌گوید.

به‌عنوان نمونه خداوند در قرآن به هفت آسمان [بقره: ۱۶۴؛ آل عمران: ۱۹۰؛ انعام: ۹۶؛ اعراف: ۵۴] و موجودات فضائی [شوری: ۲۹؛ رحمن: ۲۹؛ نحل: ۴۹؛ اسراء: ۵۵ - ۴۴؛ طلاق: ۱۲؛ انبیاء: ۱۹ - ۴] اشاره کرده که هنوز علم تجربی به آن دست نیافته است.

همچنین خداوند نشانه‌هایی برای شناخت خود از موضوعات نجومی مانند نامرئی بودن ستون‌های آسمان‌ها [ارعد: ۲؛ لقمان: ۱؛ مرسلات: ۲۵؛ فاطر: ۴۱؛ حج: ۶۵]، و بلند و کوتاه بودن شب و روز [آل عمران: ۱۹۰؛ یونس: ۶؛ جائیه: ۵؛ مؤمنون: ۸۰] استفاده کرده تا انسان‌ها را به تدبر و تفکر دعوت نماید و این‌که برخی از انسان‌ها بدون توجه به آثار الهی گذرا هستند شکایت می‌نماید. قابل ذکر است که حتی برای پایان یافتن جهان به حوادثی که اتفاق خواهد افتاد اشاره نموده مثلاً به لرزش زمین، بیرون آمدن آنچه در زمین نهفته است، از جا کنده شدن کوه‌ها، و مانند پشم زده شده، خاموشی نور ستارگان، کم‌نور شدن ماه و خورشید، و درهم پیچیده شدن آسمان‌ها، شاید او متوجه تحولات و نعمت‌های الهی شود. [مسترحمی، قرآن و کیهان‌شناسی، ص ۴۲ تا ۴۹ تلخیص و به قلم محقق؛ ر.ک: رضائی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۵، ص ۲۸۰ تا ۲۸۲]

۱. خداشناسی

قرآن در این باره می‌گوید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» [بقره: ۱۶۴؛ جائیه: ۴؛ ذاریات: ۲۰؛ فصلت: ۵۳؛ نمل: ۹۳]

همانا در خلقت آسمان و زمین، و پی‌درپی بودن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا در جریان‌اند، به آن‌چه به مردم سود می‌رساند، و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و یا آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و از هر جنبه‌ای که در آن پراکنده کرده، و دگرگونی بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین مسخر است نشانه‌هایی هست برای گروهی که تعقل می‌کنند.

علامه طباطبایی [۲] می‌گوید: اگر مضمون آیه را تحلیل کنیم مفهوم آن این است که هر چیزی معبود و خالق دارد. و معبود همه یکی است این معبود یگانه خدای شماست، اوست که منبع رحمت عامه و سرچشمه رحمت خاصه است. این یک سلسله حقائق عالی است که آفرینش آسمان و زمین و اختلاف شب و روز ... آیات و دلایل روشنی هستند که مردم با فکر و عاقل را به این حقائق رهبری می‌کنند.

به‌طور کلی: منظور اثبات یگانگی خداوند همه موجودات عالم است نه تنها یگانگی خداوند انسان، زیرا همه این‌ها حاکی از وجود مدبری هستند که بر این دستگاه حکومت می‌کند، که به خاطر تدبیر حیات انسان و تأمین سعادت او این همه موجودات را آفریده است. [طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۵۶۲ - ۵۶۰ تلخیص] البته برهان‌های اثبات خداوند مختلف است از جمله برهان بودن آیت، برهان خلقت، دو آیت الهی که شب و روز هستند، آیت الهی حرکت کشتی بر آب، آیت مهر و قهر حق، ویژگی‌های باران، آب منشأ حیات می‌باشد، پراکندن جنبنندگان در زمین، باد، فرستاده و نشانه خدا، اداره مسخرانه ابرها، که این امور و برهان‌ها برای اهل تعقل می‌باشد. [جوادی، ج ۸، ص ۱۸۰ تا ۲۰۰ تلخیص]

۲. اثبات توحید و ربوبیت الهی

آیات مختلف توحید و ربوبیت خداوند را اثبات می‌کند از جمله «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ ... أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا» [نمل: ۶۰ - ۶۱]

بلکه آیا [معبودان شما بهترند یا] کسی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و از آسمان برای شما آب نازل کرد ...؟ بلکه آیا [معبودان شما بهترند یا] کسی که زمین را قرارگاهی ساخت.

این دو آیه توحید در خالقیت و توحید در ربوبیت را پایه‌ای برای توحید معبود قرار داده است. و به‌طور کلی در آیه اول اشاره به انحراف آن‌ها از حق و در آیه دوم جهل آن‌ها را بیان می‌کند. [مکارم شیرازی، نمونه، ج ۱۵، ص ۵۱۴ - ۵۲۴ تلخیص]

۳. نشان دادن عظمت خداوند

در قرآن کریم آیات بسیاری نشانگر عظمت خداوند است مانند آیه شریفه «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا» [فرقان: ۶۱؛ انبیاء: ۱۶؛ زخرف: ۱۰ - ۹] جاودان و پربرکت است آن خدائی که در آسمان‌ها برج‌هایی قرار داد و در میان آن چراغ روشن و ماه نوربخشی آفرید. این آیه بیان‌گر نظم دقیق سیر خورشید و ماه در آسمان است. نظام فوق‌العاده دقیقی که میلیون‌ها سال بی‌کم و کاست بر آن‌ها حکم‌فرما است به‌گونه‌ای که منجمان آگاه می‌توانند از صدها سال قبل وضع حرکت خورشید و ماه را در روز و ساعت معین نسبت به صدها سال بعد پیش‌بینی کنند، این نظامی که حاکم بر این کرات عظیم آسمانی است شاهد گویائی بر وجود پروردگاری است مدبر و اداره‌کننده عالم بزرگ هستی می‌باشد. [مکارم شیرازی، نمونه، ج ۱۵، ص ۱۴۳]

۴. بیان امکان داشتن معاد و تحقق حتمی آن

قرآن شریف طی آیات زیادی محقق شدن معاد را برای انسان‌ها تبیین می‌کند از جمله در این آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ لَمْ يَعْ يَخْلُقْهُنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [احقاف: ۳۳؛ نازعات: ۲۷؛ اسراء: ۹۸؛ غافر: ۵۸ - ۵۷]

آیا اطلاع نیافتند که خدائی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آفرینش آن‌ها در مانده نشده است، بر زنده کردن مردگان تواناست؟ آری [چرا] که او بر هر چیزی تواناست.

منظور از دیدن در آیه، علم با بصیرت است. و معنای آیه چنین است آیا هنوز نفهمیده‌اند که خدا آن کسی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و از خلقت آن‌ها عاجز نشد و خسته نگشت قادر است که مردگان را زنده کند؟ او بر همه چیز قادر است. [طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۳۵۲ - ۳۵۱] به بیان دیگر اصولاً بهترین دلیل بر امکان هر چیز وقوع آن است، ما که این همه پیدایش موجود زنده و جاندار را از موجودات بی جان می بینیم چگونه می توانیم در قدرت مطلقه او بر مسئله معاد تردید به خود راه دهیم؟ این یکی از دلایل متعدد معاد است. [مکارم شیرازی، نمونه، ج ۲۱، ص ۳۷۶ - ۳۷۵]

۵. ترغیب به استفاده از منابع طبیعت

در قرآن شریف تشویق به استفاده از طبیعت کرده است چنان که می گوید: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ...» [جاثیه: ۱۳]

و [منافع] آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، درحالی که همگی از اوست مسخّر شما ساخت.

علامه طباطبایی [۱] ذیل آیه شریفه می گوید: این سخن از باب ترقی دادن کلام، و عطف عام بر خاص است، در آیه قبل تسخیر دریاها را بیان نمود که جزئی از اجزاء آسمان و زمین است ولی در این آیه تسخیر نمودن همه موجودات در آسمان‌ها و زمین را بیان می کند.

معنای تسخیر آن چه در آسمان‌ها و زمین است برای انسان، این است که اجزاء عالم مشهود همه بر طبق یک نظام جریان دارد، و نظامی واحد بر همه آن‌ها حاکم است و بعضی را به بعضی دیگر مرتبط، و همه را با انسان مربوط و متصل می سازد، و در نتیجه انسان در زندگی خود از موجودات علوی و سفلی منتفع می شود، و روزبه روز دامنه انتفاع و بهره گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می یابد، و آن‌ها را از جهات گوناگون واسطه رسیدن به اغراض خود یعنی مزایای حیاتی خود قرار می دهد پس به همین جهت تمامی این موجودات مسخّر انسان اند. بنابراین همه موجودات از ناحیه خدا آغاز می گردد چون او ایجاد کرده درحالی که الگویی از جایی نگرفته و هم چنین آثار و خواص آن‌ها نیز مخلوقات اویند، که یکی از آثار و خواص آن‌ها همین ارتباط آن‌ها به یکدیگر است، که نظام جاری در آن‌ها به وجود آورده، نظامی که با زندگی انسان‌ها مرتبط است و آدمی را دعوت به تفکر می کند. [طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۲۶۱ - ۲۶۰]

۶. بیان مبدأ پیدایش و نحوه تکون موجودات

یکی از مسائلی که قرآن ما را به آن توجه داده مبدأ پیدایش و نحوه تکون و ایجاد شدن موجودات می باشد چنان که می گوید: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» [انبیاء: ۳۰؛ غاشیه: ۲۰ - ۱۸]

آیا کسانی که کفر ورزیدند اطلاع نیافتند که آسمان‌ها و زمین پیوسته بودند و آن دو را گشودیم و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.

مفسران درباره دو کلمه «رتق» و «فتق» تفسیرهای مختلف کرده‌اند

الف) به هم پیوستگی آسمان و زمین اشاره به آغاز خلقت است که جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود و بر اثر انفجارهای درون، تدریجاً تجزیه شده و کواکب و ستاره‌ها و منظومه شمسی و کره زمین به وجود آمده.

ب) منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است به طوری که همه در هم فرورفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می کرد، اما با گذشت زمان، مواد از هم جدا شدند، و ترکیبات جدیدی پیدا کردند، و انواع مختلف گیاهان و حیوانات و موجودات دیگر در آسمان و زمین ظاهر شدند، که هر کدام نشانه‌ای از عظمت پروردگار بود. [طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۰]

ج) منظور از به هم پیوستگی آسمان این است که در آغاز بارانی نمی‌بارید و به هم پیوستگی زمین این بود که در آن زمان گیاهی نمی‌رویید اما خدا این هر دو را گشود، از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویانید. تفسیر اخیر چیزی است که قابل‌رؤیت است و با آیه کاملاً سازگار است ولی تفسیر اول و دوم مخالف نیست فقط دانشمندان هستند که پی به پیوستگی و جدائی آسمان‌ها و زمین می‌برند. اقیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، ج ۴۴۴، ص ۴۴۴؛ حویزی، علی جمعه، تفسیر نورالثقلین] اما در مورد پیدایش همه موجودات زنده از آب، این که کلمه «ماء» اشاره به آب نطفه در اینجا است که موجودات زنده معمولاً از آن به وجود می‌آیند. جالب اینکه دانشمندان امروز معتقدند که نخستین جوانه حیات در اعماق دریاها پیدا شده است، به همین دلیل آغاز حیات و زندگی را از آب می‌دانند و اگر قرآن آفرینش انسان را از خاک می‌شمرد، نباید فراموش کنیم منظور از خاک همان طین (گل) است که ترکیبی از آب‌وخاک است [مکارم شیرازی، نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۴ - ۳۹۶]

۷. تبیین نظم و انسجام طبیعت

یکی از راه‌های اثبات توحید نظم و انسجام جهان طبیعت می‌باشد که قرآن بشر را به آن توجه داده و می‌گوید: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» [ملک: ۳؛ دخان: ۳۹؛ انبیاء: ۱۶]

(همان) کسی که هفت آسمان را طبقه‌بندی‌شان آفرید، هیچ تفاوتی (تناقض‌گونه) در آفرینش (خدا)ی مهرگستر نمی‌بینی. پس چشم را برگردان آیا هیچ شکافی می‌بینی؟ با تمام عظمتی که عالم هستی دارد هر چه هست نظم و استحکام، انسجام، و ترکیبات حساب‌شده، و قوانین دقیق است. اگر بی‌نظمی در گوشه‌ای از جهان راه می‌یافت آن را به نابودی می‌کشید.

نکته‌ای که باید به آن دقت نمود در این جهان بزرگ که آن قدر کهکشان وجود دارد که از حساب و شماره بیرون است هر قدر هم تلسکوپ‌های نجومی عظیم‌تر و مجهزتر می‌شوند کهکشان‌های تازه‌ای کشف می‌شود. و چه بزرگ است خدائی که این طرح عظیم را با آن نظام دقیق ریخته است. [مکارم شیرازی، نمونه، ج ۲۴، ص ۳۲۲ - ۳۲۴]

۸. خبر دادن از پایان یافتن جهان

قرآن کریم به مقدمات قیامت از جمله پایان یافتن جهان و محقق شدن قیامت خبر می‌دهد چنان که می‌گوید: «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿۱﴾ وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿۲﴾ [انفطار: ۲ - ۱؛ فجر: ۲۱؛ تکویر: ۳ - ۱]

هنگامی که کرات آسمانی شکافته شود و هنگامی که سیارات پراکنده شوند و درهم فروریزند.

در این دو آیه سخن از شکافته شدن آسمان، و ستارگان که هر یک مدار خود را رها کرده درهم‌وبرهم می‌شوند خبر می‌دهد. در حقیقت در آیه ستارگان را به گردن‌بندی از مروارید تشبیه نموده که دانه‌های ریزودرشتش را با نظمی معین چیده و به نخ کشیده باشند ناگهان رشته‌اش پاره شود و دانه‌ها درهم‌وبرهم و متفرق شوند. [طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۵ - ۳۶۶]

۹. یادآوری نعمت‌های الهی و تشویق به شکر کردن

در آیات فراوان خداوند بندگانش دعوت به نعمت‌ها و یاد کردن از آن‌ها می‌نماید و بندگان را ترغیب به شکرگزاری نموده چنان که می‌گوید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا» [فرقان: ۶۲] و او کسی است که شب و روز را جانشین (یکدیگر) قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا بخواهد سپاسگزاری کند. این آیه در حقیقت بیان‌گر نظام حاکم بر شب و روز است که از یک‌سو فطرت خداشناسی را در انسان بیدار می‌سازد و از سوی دیگر روح شکرگزاری را در او زنده می‌گرداند. [مکارم شیرازی، نمونه، ج ۱۵، ص ۱۴۵]

۱۰. بیان برخی حقائق نجومی و کیهانی مانند موجودات زنده در آسمان‌ها

قرآن شریف در برخی از آیات اشاره به موجودات زنده در آسمان‌ها می‌کند و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ...» [شوری: ۲۹؛ انبیاء: ۴؛ آل عمران: ۸۳؛ رعد: ۱۵؛ نمل: ۴۹]

و از نشانه‌های اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین و آن‌چه از جنبندگان در آن دو پراکنده است.

از ظاهر آیه برمی‌آید که در آسمان‌ها نیز جنبندگانی هست و این‌که بعضی جنبندگان آسمان را به ملانکه تفسیر کرده‌اند صحیح نیست زیرا اولاً آیه شریفه مطلق است و نمی‌شود بدون دلیل آن را مقید به یک نوع جاندار کرد و ثانیاً اصولاً اطلاق کلمه جنبنده (دانه) بر فرشتگان معهود نیست. [طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۹۰]

د) فوائد تفسیر آیات نجومی قرآن

۱. اصلاح تفاسیر غیر صحیح از آیات نجومی

با گذشت زمان و پیشرفت علم نجوم، بی‌دقتی یا غلط بودن برخی تفاسیر بعضی آیات نجومی آشکار شده است، چون عموماً در آن موارد، معیارهای تفسیر علمی معتبر رعایت نشده است.

۲. پاسخ‌گویی به چالش‌های قرآن و کیهان‌شناسی

برخی آیات در ظاهر با واقعیت‌های کشف شده در علم نجوم سازگاری ندارند و این بهانه‌ای برای اشکال‌کنندگان به قرآن کریم شده است.

۳. تفسیر بهتر از اصطلاحات نجومی در قرآن

تعبیر نجومی که فهم معنای دقیق و درک اسرار نهفته‌شان در این عبارات نیاز به آگاهی از اکتشافات و یافته‌های علم نجوم دارد.

۴. فهم بهتر روایات تفسیری نجومی

فهم روایات تفسیری که در تبیین این آیات از معصوم وارد شده است.

۵. فهم بهتر موضوعات احکام مرتبط با نجوم

بسیاری از ابواب و احکام فقهی با مباحث نجومی ارتباط تنگاتنگ دارد.

۶. خداشناسی در پرتو کیهان‌شناسی

زیرا هدف اساسی ذکر آیات نجومی در قرآن خداشناسی است و این موجب افزایش ایمان به‌ویژه در نسل جوان می‌باشد هم‌چنین بی‌بردن به شگفتی‌ها و اعجاز علمی قرآن، که باعث تفکر و تدبر در قرآن است. [مسترحمی، مقاله قرآن و نجوم]

هـ) نگاهی گذرا به برخی پدیده‌های نجومی از منظر قرآن

۱. آسمان

برخی از لغویون ریشه سماء را «سَمَو» و «سَمُو» گرفته‌اند که به معنای علو است. [جوهری، صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۳۸۱؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۹۸]

در قرآن کریم آسمان به معانی مختلف آمده: کرات آسمانی، سمت بالا، جو اطراف زمین، عالم ملکوت و مقام قرب الهی، که با توجه به استعمالات قرآن می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که آسمان همیشه به معنای مادی نیست گاهی امری معنوی هم از آن اراده می‌شود. [مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۶]

خداوند طی آیات مختلفی که در مورد آسمان نازل کرده اشاره به منشأ رزق از آسمان [ذاریات: ۲۲]، حقیقت بهشت [زمر: ۶۷]، مائده آسمانی [مائده: ۱۱۲] تدبیر امور عالم از سوی آسمان به زمین [سجده: ۵۰]، تعداد آسمان‌ها [بقره: ۲۹]، زمان خلقت آسمان [اعراف: ۵۴]، کیفیت خلقت آسمان‌ها [ملک: ۳]، زینت دادن آسمان دنیا به زیور ستارگان [اصافات: ۶]، حفظ آسمان‌ها از هر شیطان رانده شده [حجر: ۱۷]، قرار دادن آسمان به‌عنوان سقف [انبیاء: ۳۲]، آفرینش آسمان‌ها بردن ستون [ارعد: ۲]، قسم خوردن به آسمان [ذاریات: ۷؛ طور: ۵؛ بروج: ۸؛ طارق: ۱ و ۱۱؛ شمس: ۵]، بزرگ‌ترین مخلوقات [نازعات: ۲۷]، با هدف بودن [روم: ۸]، انسان‌ها در آن تفکر و تأمل کنند. [مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۵ - ۲۴۸ با دخل و تصرف]

۲. زمین

در قرآن کریم، واژه «ارض» بدون هیچ شک، در مورد کره زمین بکار رفته، اسم خاص است به‌صورت علم شخصی اما گاهی نیز زمین به معنی «قطعات زمین» بکار برده می‌شود. عدد ارض یکی است و به‌صورت جمع نیامده فقط در یک آیه احتمال تعدد ارض داده شده است. هم‌چنین در قرآن اشاره به خلقت زمین [اعراف: ۵۴]، گهواره قرار دادن زمین [انبأ: ۶؛ طه: ۵۳]، هم‌چون فرش بودن زمین [بقره: ۲۲]، قسم خوردن به آن [طارق: ۱۲؛ شمس: ۶]، محافظت زمین [بقره: ۲۵۵]، زمین قلمرو ولایت [توبه: ۱۱۶]، رام کردن زمین برای بشر [ملک: ۱۵]، دعوت خداوند به تفکر در خلقت [یونس: ۱۰۱]... کرده است. [مصباح، معارف قرآن، ص ۲۳۸ تا ۲۵۴ تلخیص]

۳. ستارگان

خداوند در برخی از آیات قرآن به ستارگان و حکمت‌هایی که در آفرینش آن‌هاست از جمله تزیین آسمان دنیا [اصافات: ۶؛ ملک: ۵؛ فصلت: ۱۲]، نگهدارنده آسمان [انعام: ۹۷؛ نحل: ۱۷]، قسم خوردن به ستارگان [طارق: ۱ تا ۳]، مایه هدایت و راه‌یابی انسان‌ها در تاریکی و خشکی و دریا، پیوند زمان با حرکت ستارگان موقع عبادت و تسبیح الهی است [طور: ۴۹] پایان عمر دنیا و آغاز آخرت [تکویر: ۲]، اشاره نموده است.

۴. خورشید و ماه

از دیگر پدیده‌های آسمانی خورشید و ماه هستند که در قرآن با تعابیر مختلف از آن‌ها به‌عنوان وسیله شمارگری و محاسبه [انعام: ۹۶]، کیفیت و نظم حرکت آن‌ها و تسخیر امر پروردگار [اعراف: ۵۴]، قسم خوردن به آن‌ها [شمس: ۲]، اهل‌ه ماه [بقره: ۱۸۹]، ماه را جرمی نورانی [فرقان: ۶۱؛ یونس: ۵] و خورشید را چراغی فروزان معرفی کرده [همان]، سجده کردن آن دو پروردگار را [حج: ۱۸]، عدم سجده کردن مردم آن‌ها را یاد کرده است.

۵. شب و روز

یکی از پدیده‌های دیگر، مسئله شب و روز است که در قرآن بر آن تکیه می‌شود و تعابیر مختلفی در مورد آن وجود دارد، آفرینش آن دو [انبیاء: ۳۳]، اختلاف آن دو [مؤمنون: ۸۰]، جانشینی یکدیگر قرار دادن [فرقان: ۶۲]، نعمت قرار داده شب و روز و منافع آن‌ها [قصص: ۷۱ - ۷۲]، ایلاج نمودن یعنی فرو می‌پوشاند شب را در روز و فرو می‌پوشاند روز را در شب [آل‌عمران: ۲۷]، پیمانندن و تقلیب نمودن آن دو [نور: ۴۴؛ زمر: ۵]، نور را پوشش قرار دادن برای زمین [اعراف: ۵۴]، [مصباح، معارف قرآن، ص ۲۵۴ تا ۲۵۷ تلخیص]



نتیجه نهائی

تفسیر نجومی یکی از مباحث مهم قرآنی است که قرآن از مطرح کردن آن اهدافی داشته، از جمله آگاه شدن مردم مخصوصاً جوانان به قرآن کریم، در قرآن ۱۵۰ آیه پیرامون کیهان‌شناسی وجود دارد که باعث ترغیب انسان‌ها به تعقل و تدبّر در عالم خلقت می‌گردد. از طرفی دیگر اگر آدمی به کهکشان‌ها و نجوم پی برد، اعتقاد او به معاد و توحید و دین مستحکم می‌شود و انسان نسبت به این نعمت‌های الهی شکرگزار می‌گردد.

یکی از فوائد فهم تفسیر نجومی این است که انسان توجه پیدا می‌کند که دین و علم با یکدیگر تعارض ندارند بلکه با یکدیگر سازگارند. بنابراین تفسیر نجومی این نیست که خواسته‌های خودمان را بر قرآن تحمیل یا تطبیق کنیم. بلکه قرآن را مقدم بر فهم و درک و علم خود بدانیم.



فهرست منابع

- ۱- ابن سینا، حسین، طبیعیات شفا، ج ۱،
- ۲- ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، نشر دار الکتب اسلامیة، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
- ۴- الامین، محسن، اعیان الشیعة، ج ۲، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۲ و ۸، اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ ش.
- ۶- جوهری، اسماعیل ابن حماد، صحاح اللغة، دارالعلم بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
- ۷- الحویزی، علی جمعه، نورالثقلین، ج ۵، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، لبنان.
- ۸- خواجه پور، محمدرضا، نجوم به زبان ساده، نشر گیتاشناسی، چاپ دهم، ۱۳۸۲ ش.
- ۹- خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، ج ۲، نشر اسماعیلیان، ۱۳۹۱.
- ۱۰- خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، ۱۳۸۵ - ۱۹۶۶.
- ۱۱- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، نشر ذوی القربی، چاپ پنجم، ۱۴۲۶ ق.
- ۱۲- رضائی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن ۵، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ۹، ۱۳۹۲.
- ۱۳- زبیدی حسینی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۲ ق.
- ۱۴- زمانی قمشاهی، علی، هیئت و نجوم اسلامی، نشر سماء، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۵- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱، ۱۴، ۱۸، ۲۰، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ چهارم زمستان، ۱۳۶۷.
- ۱۶- عدالتی، تقی و فرخی، حسن، اصول و مبانی جغرافیای ریاضی، نشر انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۷- فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، دارالمرتضی، للنشر، چاپ اول.
- ۱۸- فیومی، مصباح المنیر، دار الهجرة، ۱۴۰۵ ق.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۴۲۰.
- ۲۰- مسترحمی، سید عیسی، فصلنامه قرآن و علم -
- ۲۱- مسترحمی، سید عیسی، قرآن و کیهان شناسی، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۲- مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، چاپ اول، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۷.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، ج ۱۳، ۱۵، ۲۱ و ۲۴، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۶۹ ش.